

ارزشی انگیزشی ارزشیابی

انگیزش مترادف نمره و امتحان نیست

نمره ۱

به تجربه‌های زمان دانش‌آموزی خود بازگردید:

- آیا پیش آمده است امتحان در ترغیب انگیزشی شما مؤثر باشد؟
- معلمانی را به یاد می‌آورید که از ارزشیابی استفاده‌ی درستی در مسیر انگیزش کرده باشند؟ روش آنان چه بوده است؟

از ارزشیابی تا انگیزش

هدف عمده‌ی ارزشیابی اصلاح و کمک به بهبود یادگیری است. هر زمان که در تربیت، ارزشیابی با این هدف به کار گرفته شود، مسیر درست است، اما اگر اصلاح و بهبود فرع قرار گیرد یا حتی فراموش شود و خود امتحان و نمره به صورت ملاکی برای قضاوت و تصمیم‌گیری درآید، باید صدای این زنگ خطر را شنید که ارزشیابی در حال انحراف از مسیر اصلی است.

حالا بیایید با همین پیش‌فرض به رابطه‌ی بین ارزشیابی و انگیزش نگاه کنیم. آیا ارزشیابی می‌تواند کارکرد انگیزشی داشته باشد؟ تصور می‌کنم شما هم مثل من دو جواب داشته باشید:

۱. اگر نمره و امتحان دستاویزی برای وادار ساختن به یادگیری باشد، دستاویزی برای انگیزش هم خواهد بود؛ برای ترساندن و تحریک حس ترس و وحشت. هر وقت هدف پنهان امتحان این‌ها باشد که اگر نمره نگیری، اگر قبول نشوی، اگر از بقیه عقب بیفتی، اگر این بار هم امتحان را خراب کنی و... آن‌گاه چنین و چنان می‌شود، در این صورت، حتی اگر تأثیر انگیزشی هم داشته باشد، اقدامی مخرب و ضد تربیتی محسوب می‌شود.

۲. اگر نمره و امتحان ابزاری باشد برای یافتن نقطه‌ضعف‌ها، جبران کمبودها، اقدام برای اصلاح، تکمیل آموخته‌ها و برنامه‌ریزی برای بهبود و ارتقاء انگیزش هم در پی آن می‌آید؛ اما مفید و مؤثر و راهگشا خواهد بود. دانش‌آموزی که بعد از آزمون به این نتیجه برسد که با تشخیص نقطه‌ضعف‌های پیشین، اینک در حال پیشرفت است و بهتر یاد گرفته، هم از ارزشیابی خرسند خواهد شد و هم از انگیزش.

ابراهیم اصلانی

روان‌شناس تربیتی



می‌گویند، آدمی که در حال غرق شدن است، دست به هر چیزی می‌اندازد تا شاید نجات پیدا کند. در تربیت هم گاهی برای رسیدن به هدفی که تصور می‌کنیم مهم است، دست به هر چیزی می‌اندازیم تا شاید جواب بدهد. یکی از مصداق‌های این موضوع استفاده از حربه‌ی ارزشیابی و امتحان برای ایجاد انگیزه است. آیا درست است که امتحان را در خدمت انگیزش درآوریم؟ آیا ارزشیابی می‌تواند کمکی به انگیزش بکند؟ در این قسمت نویسنده سعی کرده است پاسخ چنین سؤال‌هایی را بدهد. امیدواریم مدیران و معلمان هم روی این موضوع بیشتر بیندیشند.



عکاس: جواد بمانی یزدی

الان وقت خودارزیابی است:
 ● با مروری بر گذشته، ببینید در چه مواردی، از امتحان و نمره استفاده‌ی انگیزشی اشتباه کرده‌اید؟
 ● در کدام موارد درست عمل کرده‌اید؟
 ● تأثیر و ماندگاری کدام بیشتر بوده است: زمانی که امتحان فقط دستاویزی انگیزشی بوده یا زمانی که امتحان در خدمت ارزشیابی بوده است؟

وقتی خطا می‌کنیم...

استفاده‌ی نادرست از ارزشیابی و امتحان و نمره به‌عنوان دستاویزی انگیزشی، به تبعات نادرست‌تر بعدی منجر می‌شود. نگه‌داشتن چماق امتحان و نمره، نه تنها دانش‌آموز را به تحرک و تلاش برای یادگیری و انخواهد داشت، بلکه در عمل انگیزه‌های یادگیری را نیز سرکوب می‌کند.

انگیزش مبتنی بر فشار امتحان و تنگ کردن عرصه برای اجبار به موفقیت، حتی اگر در مورد عده‌ای آثار کوتاه‌مدت داشته باشد، در درازمدت و برای اکثریت، تبعات نامطلوبی خواهد داشت.

امتحان وقتی ابزاری برای ترساندن، تهدید و تویخ باشد، مثل تنبیه که به‌طور معمول فقط در حضور تنبیه‌کننده اثر می‌کند، به نوعی تنبیه تبدیل می‌شود. یادمان باشد دانش‌آموزانی را که با اجبار امتحان به یادگیری و پیشرفت تحصیلی وادار می‌کنیم، به احتمال زیاد در آینده دچار یادگیری‌گریزی خواهند شد، همان اتفاقی که برای بسیاری از دانش‌آموزان در طی سال‌های درس خواندن روی داده است. تداوم یادگیری‌گریزی به پدیده‌ی دیگری منجر می‌شود؛ مدرسه‌گریزی.

این دو پدیده‌ی یادگیری‌گریزی و مدرسه‌گریزی در کنار مسائل درسی و آموزشی، در کاستی‌های انگیزشی هم ریشه دارند. به‌طور حتم، یکی از علت‌هایی که به انگیزش لطمه می‌زند، استفاده‌ی نادرست از ارزشیابی و امتحان است.

امیدوارم در طول تجربه‌ی مدیریتی یا معلمی خود انگیزه‌ی دانش‌آموزی را با استفاده‌ی نادرست از ارزشیابی خراب نکرده باشید! با این همه خوب است در جلسه‌ی شورای معلمان روی این موضوع و اهمیت و تبعات آن بحث کنید.
 بعد از توضیح مختصر چارچوب موضوع، به همکاران فرصت دهید تجربه‌ها و خاطراتشان را بگویند. مرور همین موارد می‌تواند مفید و آموزنده باشد.

درست عمل کنیم

پس اگر هدف عمده‌ی ارزشیابی را اصلاح در نظر بگیریم، اصلاح می‌تواند به انگیزش منجر شود، ولی از امتحان نباید به‌عنوان دستاویزی برای واداشتن، زورکردن و ترساندن استفاده کرد. از امتحان می‌توان به‌عنوان ابزار انگیزشی استفاده کرد، اما سنجیده و باظرافت، نه برای هدف قراردادن امتحان یا برای به‌جان‌هم‌انداختن افراد.

از آنجا که نتیجه‌ی آزمون‌ها که به‌صورت نمره به یادگیرندگان داده می‌شود، به پاداش‌های گوناگونی، چون تأیید معلم و والدین، ارتقا به کلاس بالاتر، دریافت گواهی‌نامه، ورود به دانشگاه، کسب شغل‌های موردعلاقه و مواردی نظیر این‌ها وابسته‌اند، نمره‌های معلمان ارزش انگیزشی زیادی دارند. بنابراین، معلم می‌تواند با اجرای مکرر آزمون، سطح انگیزشی یادگیرندگان را بالا ببرد. با این حال، از امتحان برای دادن بازخورد به دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی عملکرد و میزان یادگیری‌شان استفاده کنید، نه به‌عنوان وسیله‌ای جهت ارباب و تنبیه آنان.

آزمون و نمره نباید به هدف اصلی تبدیل شوند. وقتی که دانش‌آموزان به‌جای یادگیری و دریافت بازخوردهای اصلاحی، فقط بر خود امتحان و نمره تمرکز می‌کنند، پدیده‌هایی رایج می‌شوند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: زیادخواندن؛ عقب‌انداختن مطالعه به شب امتحان؛ چانه‌زدن برای نمره‌ی بیشتر؛ دست‌یافتن به سؤال‌ها یا استخراج سؤال؛ اصرار بر کم کردن حجم درس‌ها؛ جزوه‌نویسی و انواع روش‌های تقلب. نکته‌ی مهم در مورد امتحان و نمره این است که هر وقت هدف از یادگیری به‌سمت کسب نمره تغییر جهت داد، یعنی برای دانش‌آموزان نمره و کارنامه مهم‌تر از یادگیری بود، نباید انتظار داشته باشیم انگیزش به یادگیری کمک کند. امتحان زمانی کارکرد انگیزشی دارد که دانش‌آموزان را به فکرکردن، اصلاح و تلاش در یادگیری وادارد و آنان با درک توانمندی‌های خود در آموختن، انگیزه‌ی درونی بیشتری برای یادگیری پیدا کنند.

روی کارکردهای انگیزشی ارزشیابی بیشتر تمرکز کنید:

● چه کارهایی باید انجام دهید تا امتحانات دانش‌آموزان با اهداف واقعی ارزشیابی سازگار باشد؟ ● چه کارهایی می‌توان انجام داد تا هر آزمون کوچک و بزرگ برای تک‌تک دانش‌آموزان نتیجه‌های انگیزشی به همراه داشته باشد؟ ● به یک موضوع بزرگ‌تر فکر کنید: یادگیری مبتنی بر سخت‌گیری بهتر است یا مبتنی بر شادکامی؟ حالا دوباره به موضوع این مقاله بازگردید؛ ارزشیابی چگونه می‌تواند در خدمت یادگیری شاداب باشد و به انگیزش مثبت دامن بزند؟ ● به فکر خودتان هم باشید. چگونه می‌توانید ارزشیابی از رفتارها، یادگیری‌ها و روابط خودتان را به ابزاری برای انگیزش مؤثر و شادابی تبدیل کنید؟